

فقه فناوری اطلاعات و ارتباطات

حریم خصوصی

مستثنیات حکم حریم خصوصی

نظارت دولت بر عملکرد مردم

۷۳- جلسه دوازدهم

۹۳/۱۱/۲

#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

ولی مشابه همین حدیث در سند دیگری از شیخ صدوق آمده که در آنجا سند روایت موثق است.

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمُحْتَكَرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ يُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ قَوَّمتْ عَلَيْهِمْ فَعُضِبَ عَ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ وَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ أَسْعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ ع مَا كُنْتُ لِأُلْقَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحْدِثْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلْ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ.

معنای اول:

ممکن است معنای کلام پیامبر در حدیث غیاث بن ابراهیم را نیز به همین معنا حمل کنیم. یعنی مردم از پیامبر خواستند که او قیمتها را تعیین کند و به صورتی قانونی شرعی درآید تا همه از آن تبعیت کنند اما چون حضرت می دانستند که تعیین تشریعی قیمت موجب مدیریت بازار نمی شود آن را به اراده الهی منوط کرده و دخالت در این کار را نوعی دخالت در امور تکوینی دانسته و از آن امتناع ورزیده اند. وجه خشم ایشان نیز همین است که کاری که منوط به اراده الهی بوده را از او خواسته بودند. عبارت «فدعوا عباد الله...» نیز اشاره به همین نکته است که آنچه قیمتها را در بازار تعیین می کند اولاً اراده تکوینی الهی است و ثانیاً عرضه و تقاضای بازار که از ناحیه فروشندگان و خریداران (عباد الله) رقم می خورد.



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِالْمُحْتَكَرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ يُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص لَوْ قَوَّمتَ عَلَيْهِمْ فَعُصِبَ عَ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ وَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص لَوْ أَسْعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ ع مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِيَدَعَةٍ لَمْ يُحْدِثْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلْ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ.

معنای دوم حدیث غیاث بن ابراهیم:

این احتمال وجود دارد که منظور حضرت نفی تشریع از جانب خودش بوده است. یعنی این که قیمت گذاری در دست حاکم باشد نیازمند تشریع است و چنین حکمی از جانب خداوند نهاده نشده است.

اما این تفسیر به دو جهت مرجوح است:

اولاً با این معنا وجهی برای عصبانیت به این شدت نبوده و

ثانیاً با روایات دیگری که فرشتگان را وکیل خداوند در قیمت گذاری برشمرده اند هم خوانی کمتری دارد.



## ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

روایاتی که نشان از آن دارد که خداوند موکل قیمت‌هاست:

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَكَّلَ بِالسَّعْرِ مَلَكًا يُدَبِّرُهُ بِأَمْرِهِ.
- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَكَّلَ بِالْأَسْعَارِ مَلَكًا يُدَبِّرُهَا.
- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ وَكَّلَ بِالسَّعْرِ مَلَكًا فَلَنْ يَغْلُوَ مِنْ قِلَّةٍ وَ لَا يَرْخُصَ مِنْ كَثْرَةٍ.

هر سه این روایات مرسلند و سند قابل اتکائی ندارند.  
معنای روایات:

توکیل فرشتگان الهی به امر قیمت‌گذاری منافاتی با تدبیر انسانها و دخالت آنان ندارد بلکه مراد از آن تقدیر معایش مردم بدست خداوند متعال و تعیین رزق و روزی مردمان است که معنایی کلامی دارد و وجه تکوینی حیات بشر است و ناظر به وجه تشریعی نیست.



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَكَّلَ بِالسَّعْرِ مَلَكًا يُدَبِّرُهُ بِأَمْرِهِ.
- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَكَّلَ بِالْأَسْعَارِ مَلَكًا يُدَبِّرُهَا.
- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ وَكَّلَ بِالسَّعْرِ مَلَكًا فَلَنْ يَغْلُو مِنْ قِلَّةٍ وَ لَا يَرْخُصَ مِنْ كَثْرَةٍ.

-اشکال: در بازار عرضه و تقاضا موجب افزایش یا کاهش قیمتهاست

جواب: چون کم و زیاد شدن اجناس اولاً یک تقدیر الهی است بنابر این فرشته گماشته شده موظف به اجرای آن تقدیر است ولی این منافاتی ندارد که جنسی در بازار به دلیل اختیار خریداران و فروشندگان یا شرائط دیگر کم یا زیاد گردد و این امر موجب ارزانی یا گرانی آن گردد چون این نوع کم و زیاد شدن نیز در دائره تقدیر الهی شکل گرفته است. مثلاً اگر به دلیل قحطی گندم کم شود این یک تقدیر الهی است و روشن است که در داخل دائره این تقدیر گرانی شکل می گیرد اما این گرانی از دائره تقدیر الهی خارج نیست بلکه درون آن شکل گرفته است پس درست است که بگوییم منشأ گرانی کمبود نیست بلکه منشأ اصلی فرمان الهی است که فرشتگان مجری آن هستند چون خود کمبود نیز معلول است و منشأی الهی دارد.



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمُحْتَكَرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ يُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ قَوَّمتُ عَلَيْهِمْ فَغَضِبَ عَ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ وَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ أَسْعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ ع مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحْدِثْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلْ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ.

به هر حال از روایت غیاث بن ابراهیم معلوم می شود که قیمت گذاری اولاً و بالذات بر عهده دولت نیست. اما در عین حال این روایت دلالت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله در کار بازار دخالت کرده است و به محتکرین امر کرده که کالای احتکاری خود را به کف بازار بیاورند و به فروش رسانند. همین امر نشان از آن دارد که برای حاکم مجاز است که در کار بازار دخالت کند. بلکه به دلیل استعمال کلمه امر که دلالت آن بر وجوب دارد نشان می دهد که در شرائطی این کار بر حاکم واجب است.

همچنین امر به این که کالاها را در معرض دید قرار دهند نشان از آن دارد که محتکرین کالاها را در معرض دید نگذاشته بودند بنابر این لازمه یافتن کالای احتکاری نوعی تجسس در بازار است که یا از سوی خود حضرت صورت گرفته یا دیگران تجسس کرده برای ایشان خبر آورده اند و ایشان نیز از کارشان نهی نکرده است. به هر حال ورود در حریم خصوصی افراد طبق تعریفی که در صدر بحث آوردیم در اینجا صادق است یا به دلیل این که بالملازمه تجسس رخ داده است یا به دلیل این که در کار بازاریان دخالت رخ داده و آنها مأمور به عرضه کالای خود شده اند.



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِالْكُوفَةِ (عِنْدَكُمْ) يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بُكَرَةً مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقاً سُوقاً وَ مَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ كَانَ لَهَا طَرَفَانِ وَ كَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيَّةَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيَنَادِي يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا سَمِعُوا صَوْتَهُ ع أَلْقُوا مَا بَأْيَدِيهِمْ وَ أَرَعُوا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ وَ سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ فَيَقُولُ ع قَدِّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُبْتَاعِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَانِبُوا الْكَذِبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصِفُوا الْمَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ فَيَطُوفُ ع فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ.

در سند حدیث تحویل است یعنی کلینی این روایات را هم از عده‌ای از اصحاب از سهل نقل می‌کند و هم از عده‌ای از اصحاب از احمد بن محمد و سند سوم روایت نیز با عطف کلمه واو به صدر سند بیان شده که معنایش این است که کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش نقل می‌کند. و هر سه طریق در نهایت از حسن بن محبوب نقل می‌کنند که بنابر قولی از اصحاب اجماع است. عمرو بن ابی المقدام نیز بنابر تحقیق ثقه است چون اجلاء اصحاب همچون صفوان و ابن ابی عمیر از او روایت دارند و تضعیف ابن غضائری نیز مسموع نیست به ویژه آن که ابن داود او را توثیق کرده است.



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِالْكُوفَةِ (عِنْدَكُمْ) يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بُكْرَةً مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقاً سُوقاً وَ مَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ كَانَ لَهَا طَرَفَانِ وَ كَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيَّةَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيَنَادِي يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا سَمِعُوا صَوْتَهُ ع أَلْقُوا مَا بَأْيَدِيهِمْ وَ أَرْعُوا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ وَ سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ فَيَقُولُ ع قَدِّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَانِبُوا الْكَذِبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصِفُوا الْمَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ فَيَطُوفُ ع فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ.

در باب روایات جابر بحث مفصلی وجود دارد جابر بن یزید جعفی از اجلاء اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام است از جمله دلائل وثوق به او روایت صحیحی از امام صادق علیه السلام که نسبت صداقت به او داده و شیخ مفید نیز در رساله عددیه او را در شمار کسانی که مورد وثوقند نام برده است. موارد جرح او نیز یا دارای سند صحیحی نیست یا دلالت تامی بر تضعیف او ندارد یا معارض دارد.



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِالْكُوفَةِ (عِنْدَكُمْ) يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بُكْرَةً مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقاً سُوقاً وَ مَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ كَانَ لَهَا طَرَفَانِ وَ كَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيَّةَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيَنَادِي يَا مَعْشَرَ الشُّجَارِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا سَمِعُوا صَوْتَهُ ع أَلْقَوْا مَا بَأْيَدِيهِمْ وَ أَرَعُوا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ وَ سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ فَيَقُولُ ع قَدِّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَاعِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَانِبُوا الْكَذِبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصِفُوا الْمَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبَخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ فَيَطُوفُ ع فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ.

سببیه نام تازیانه حضرت بوده و گفته‌اند که وجه تسمیه آن این بوده که دو طرف داشته است. ولی سببیه به معنای تکه‌ای از پارچه یا لباس هم آمده که شاید بر دسته آن بسته بودند. علامه مجلسی گفته در برخی نسخ سبتیه آمده با یاء که مأخوذ از سبت است به معنای پوست گاوی که آن را با برگ گیاهی به نام قَرظ دباغی می‌کردند و با آن کفش می‌ساختند. جهت نامگذاری این بوده که موهای پوست از آن کنده شده بود. شاید خود تازیانه از بریده‌های پوست گاو دباغی شده بوده است. احتمالات دیگر نیز در حواشی و شروح آمده است. اغتدی یعنی در صبحگاهان سیر کردن از غُدوة بالضم به معنای اول صبح از ابتدای فجر تا طلوع آفتاب است و غُدوة بالفتح سیر در اول صبح است. الدَّرَّةُ بکسر دال به معنای تازیانه است



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِالْكُوفَةِ (عِنْدَكُمْ) يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بُكَرَةً مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقاً سُوقاً وَ مَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ كَانَ لَهَا طَرَفَانِ وَ كَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيَّةَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيُنَادِي يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا سَمِعُوا صَوْتَهُ ع أَلْقُوا مَا بَأْيَدِيهِمْ وَ أَرْعَوْا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ وَ سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ فَيَقُولُ ع قَدِّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالسَّهُولَةِ وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَانِبُوا الْكَذِبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصِفُوا الْمَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ فَيَطُوفُ ع فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ.

- تعبیر به کان یغتندی ماضی استمراری است یعنی این کار به صورت مستمر صورت می گرفته است و این نشانه عادت حکومتی حضرت بوده است.

- وجه استدلال: این حدیث نشان می دهد که حضرت کار نظارت بر بازار را خود برعهده داشتند و در این کار تازیانه را نیز همراه خود می بردند که نوعی ضمانت اجرایی برای کار نظارتی ایشان بوده است. همین امر نشان می دهد که حضرت صرفاً در صدد بررسی و تجسس در بازار نبوده بلکه قصد اصلاح عملی نیز داشته اند.

- رفع اشکال: از همین جا معلوم می شود که قصد حضرت این نبوده که صرفاً بازاریان را نصیحت کند بلکه علاوه بر نصیحت، نظارت بر عملکرد بازاریان و اصلاح امور آنان نیز مقصود بوده است به همین جهت بعد از سرکشی که نوعی تجسس در بازار است برای این که مردم بتوانند عریضه های خود را تقدیم کنند می نشستند و به حرف مردم گوش می دادند.

- محتمل است که يرجع رجوع به قصر مراد باشد و رجوع به بازار مراد نباشد در عین حال این نکته فرقی در استدلال ندارد چون در هر دو حال کلمه «لنناس» هدف اصلی از نشست را نشان می دهد که گوش کردن به کلام آنان بوده است.



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

مرحوم صدوق مشابه همین روایت را با سندی دیگر نقل کرده است:

— حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ ع كُلَّ بُكَرَةٍ يَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقاً سُوقاً وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَكَانَ لَهَا طَرَفَانِ وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيَّةَ فَيَقِفُ عَلَى سُوقِ سُوقٍ فَيُنَادِي يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ قَدِمُوا الْإِسْتِخَارَةَ وَتَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَاقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَتَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَتَنَاهَوْا عَنِ الْكَذِبِ وَالْيَمِينِ وَتَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَأَنْصِفُوا الْمَظْلُومِينَ وَلَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ يَطُوفُ فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ فَيَقُولُ هَذَا ثُمَّ يَقُولُ—

تَقْنِي [تَفْنِي] اللَّذَاذَةَ مِمَّنْ نَالَ صَفَوَتَهَا  
مِنَ الْحَرَامِ وَيَبْقَى الْإِثْمُ وَالْعَارُ  
تَبْقَى عَوَاقِبُ سُوءٍ فِي مَعْبَتِهَا  
لَا خَيْرَ فِي لَذَّةٍ مِنْ بَعْدِهَا النَّارُ

سند روایت صحیح است و تمامی اسامی آن از افرادی جلیل القدر هستند. سعد بن عبدالله از فقهای بزرگ و وجیه طائفه شیعه است. ابراهیم بن هاشم نیز اولین کسی است که حدیث اهل کوفه را در قم نشر داده و اصحاب به او اعتماد کرده‌اند. بر توثیق عبدالرحمن بن ابی نجران نیز تأکید شده و عاصم بن عبید نیز گرچه به حنفی توصیف شده ولی فردی برجسته، راستگو و ثقه بوده و منظور از اتصاف او به «حنفی» التزام به مکتب ابو حنیفه نیست چون کشی او را به «مولی بنی حنیفه» یعنی از خویشاوندان بنی حنیفه توصیف کرده است. هم‌عصری او با ابو حنیفه نیز این احتمال را که صفت حنفی به مکتب او ارجاع داشته باشد، نفی می‌کند. چون شهرت این مکتب مربوط به سالها بعد از حیات ابو حنیفه است. همچنین محمد بن قیس نیز فردی برجسته و ثقه است. (رجال النجاشی، ص ۱۷۸، ۱۶، ۲۳۶، ۳۰۲، ۳۲۳ و رجال کشی، ص ۳۶۷) مغبّه به تشدید به معنای عاقبت و آخر کار است. دلالت روایت نیز مانند روایات قبل است.



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

و عَنْ عَلِيٍّ ص أَنَّهُ كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ بِيَدِهِ دِرَّةٌ يَضْرِبُ بِهَا مَنْ وَجَدَ مِنْ مُطَفِّفٍ أَوْ غَاشٍ فِي تِجَارَةِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ الْأَصْبَغُ قُلْتُ لَهُ يَوْمًا أَنَا أَكْفِيكَ هَذَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ اجْلِسْ فِي بَيْتِكَ قَالَ مَا نَصَحْتَنِي يَا أَصْبَغُ وَ كَانَ يَرْكَبُ (على) بَغْلَةً رَسُولِ اللَّهِ ص الشَّهْبَاءُ وَ يَطُوفُ فِي الْأَسْوَاقِ سُوقًا سُوقًا فَاتَى يَوْمًا طَاقَ اللَّحَامِينَ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ الْقَصَائِينَ لَا تَعْجَلُوا الْأَنْفُسَ قَبْلَ أَنْ تَزْهَقَ وَ إِيَّاكُمْ وَ النَّفْخَ فِي اللَّحْمِ ثُمَّ أَتَى التَّمَّارِينَ فَقَالَ أَظْهَرُوا مِنْ رَدِيءٍ بَيْعَكُمْ مَا تُظْهِرُونَ مِنْ جِدِّهِ ثُمَّ أَتَى السَّمَائِينَ فَقَالَ لَا تَبِيعُوا إِلَّا طَيِّبًا وَ إِيَّاكُمْ وَ مَا طَفَا ثُمَّ أَتَى الْكُنَاسَةَ وَ فِيهَا مِنْ أَنْوَاعِ التِّجَارَةِ مِنْ نَخَّاسٍ وَ قَمَّاطٍ وَ بَائِعِ إِبِلٍ - وَ صَيْرَفِي وَ بَزَّازٍ وَ خِيَّاطٍ فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتٍ يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ إِنَّ أَسْوَاقَكُمْ هَذِهِ تَحْضُرُهَا الْأَيْمَانُ فَشَوْبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ كُفُّوا عَنِ الْحَلْفِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُقَدِّسُ مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا.

حدیث مرسل است. اصبغ نام اصبغ بن ثباته از خواص حضرت امیر علیه السلام است. این روایت با دو روایت قبل متفاوت است چون راوی آن دو جابر و محمد بن قیس بود ولی راوی این حدیث اصبغ است. معلوم می شود این عادت حضرت به مشاهده عده کثیری رسیده و هر یک آن را به گونه ای نقل کرده اند. الشهباء نام قاطر رسول الله بوده است که از کلمه شُهبَة گرفته شده به معنای رنگی که سفیدی غالب و آمیخته به سیاهی است. شوبوا امر از شوب به معنای مخلوط و ممزوج کردن. طفا به معنای روی آب بالا آمدن و به زیر نرفتن است. کنایه از مردن و روی آب آمدن است. نخّاس به معنای برده فروض و چارپا فروش، قَمَّاط بفتح قاف و تشدید میم فروشنده قِماط است به معنای ریسمان یا طنابی که دست و پای ذبیحه یا اسیران یا قنடை کودکان را با آن ببندند.



#### ۴-۱- نظارت و دخالت دولت بر قیمت گذاری کالاها و خدمات :

و عَنْ عَلِيٍّ ص أَنَّهُ كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ بِيَدِهِ دِرَّةٌ يَضْرِبُ بِهَا مَنْ وَجَدَ مِنْ مُطَفِّفٍ أَوْ غَاشٍ فِي تِجَارَةِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ الْأَصْبَغُ قُلْتُ لَهُ يَوْمًا أَنَا أَكْفِيكَ هَذَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ اجْلِسْ فِي بَيْتِكَ قَالَ مَا نَصَحْتَنِي يَا أَصْبَغُ وَ كَانَ يَرْكَبُ (على) بَغْلَةً رَسُولِ اللَّهِ ص الشَّهْبَاءُ وَ يَطُوفُ فِي الْأَسْوَاقِ سُوقًا سُوقًا فَاتَى يَوْمًا طَاقَ اللَّحَامِينَ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ الْقَصَائِينَ لَا تَعْجَلُوا الْأَنْفُسَ قَبْلَ أَنْ تَزْهَقَ وَ إِيَّاكُمْ وَ النَّفْخَ فِي اللَّحْمِ ثُمَّ أَتَى التَّمَارِينَ فَقَالَ أَظْهَرُوا مِنْ رَدِيءٍ بَيْعَكُمْ مَا تُظْهِرُونَ مِنْ جِدِّهِ ثُمَّ أَتَى السَّمَاكِينَ فَقَالَ لَا تَبِيعُوا إِلَّا طَيِّبًا وَ إِيَّاكُمْ وَ مَا طَفَا ثُمَّ أَتَى الْكُنَاسَةَ وَ فِيهَا مِنْ أَنْوَاعِ التِّجَارَةِ مِنْ نَخَاسٍ وَ قَمَاطٍ وَ بَائِعِ إِبِلٍ - وَ صَيْرَفِي وَ بَزَّازٍ وَ خِيَّاطٍ فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتٍ يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ إِنَّ أَسْوَاقَكُمْ هَذِهِ تَحْضُرُهَا الْأَيِّمَانُ فَشَوُّبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ كُفُّوا عَنِ الْحَلْفِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُقَدِّسُ مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا.

دلالت حدیث مانند حدیث قبل است. افزون بر آن، صدر حدیث بر استفاده حضرت از تازیانه دلالت دارد. بنابر این حضرت تازیانه خود را صرفاً برای نمایش قدرت یا عادت همراه خود نداشتند بلکه واقعاً از آن استفاده می‌کردند. این امر نشان از نظارت حضرت بر امر بازار و به ملازمه دلالت بر تجسس حضرت از اعمال آنان دارد.



و الحمد لله رب العالمين